

حکایت کشف حجاب

تہاجم فرهنگی غرب و کشف حجاب، خاطرات و اسناد و
مدارک خشونت رضاخان، دیدگاه اسلام و غرب در مورد
زن و حجاب با استفاده از بیانات حضرت امام (ره) و
مقام معظم رہبری (مدظلہ)

مؤسسہ فرهنگی هنری قدر ولایت

حکایت کشف حجاب / گردآوری و تدوین موسسه فرهنگی
قدر ولایت. — تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت.
۱۳۸۰.

۲ ج. در یک مجلد: مصور، نمونه، عکس. — (سری
کتابهای تاریخ شهاب فرهنگ غرب)
ISBN 964-7292-13-9 (دوره) - ISBN
964-6248-41-1:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
این کتاب قبلاً بصورت ۲ جلد مجزا منتشر شده
است.

کتابنامه بصورت زیر نویس.

چاپ دوم: ۱۳۸۱.
۱. کشف حجاب -- ایران. ۲. حجاب -- ایران.
۳. ایران -- تاریخ -- پهلوی. ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰.
الف. موسسه فرهنگی قدر ولایت.

۹۵۵/۰۸۲۲۰۴۴

DSR1۴۹۰/ج۸
۱۳۸۰.

م۷۹-۱۲۶۶۸

کتابخانه ملی ایران

حکایت کشف حجاب



موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

گردآوری و تألیف: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت	
ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت	
نوبت چاپ: هفتم ۱۴۰۳	
شمارگان: ۲۰۰ جلد	
حروفچینی: ظریفیان	
لیتوگرافی: نیما	
چاپخانه: قدر ولایت	
صحافی: قدر ولایت	
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان	
ISBN: 978-964-6248-41-0	شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۴۸-۴۱-۰
www.ghadr110.ir	تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸ - ۶۶۴۱۱۱۵۱
کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است	
این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است	

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۳
---------------	----

فصل اول

کشف حجاب، دیدگاه، انگیزه، نتایج

نمونه بارز عوامفریبی و تظاهر به تدین رضاخان.....	۲۷
سیاستهای نوین استعمار انگلیس.....	۲۸
همراهی زنان دربار با قافله تمدن غربی.....	۲۹
سه اصل ضروری رفع حجاب.....	۲۹
نظر رضاشاه: چادر و چاقچور، دشمن ترقی و پیشرفت مردم.....	۳۰
دستور رضاشاه و پاسخ وزیر معارف!!.....	۳۲
اعلام رسمی رفع حجاب از زنان مسلمان.....	۳۲
نطق رضاشاه.....	۳۵
دو پیش آمد بعد از مراسم ۱۷ دی.....	۳۶
رو به دیوار ایستادن زنان.....	۳۶
در تمام طول سخنرانی رضاشاه.....	۳۶
شاهکار بزرگ تاریخ شاه!!.....	۳۶
بزرگداشت روز ۱۷ دی.....	۳۷
توسط روزنامه‌های دولتی.....	۳۷
سرمقاله روزنامه ایران.....	۳۸
برداشتن روسری از سر زنان توسط پلیس.....	۳۸
استقرار محمدرضا شاه و.....	۳۹
شدت گرفتن جریان کشف حجاب.....	۳۹
محمدرضا و کشف حجاب.....	۳۹

۴۳	تعالیم مسلک «بابی» و «بهائی»
۴۴	نمونه‌ای از عملکرد غرب در الجزایر
۴۴	نسبت به حجاب
۴۴	حذف اعلای فعالیت روانی نیروی اشغالگر
۴۵	رؤیای رجال سیاسی استعمارگر
۴۶	کشف حجاب زن یعنی شکستن مقاومت او

فصل دوم

اسناد خشونت رضاخانی و مقاومت مردمی

۵۱	جدیت و مراقبت خارجیها بر کشف حجاب
۵۲	متن مقاله قرائت شده در جلسه کشف حجاب
۵۳	جلوگیری از لباس بلند
۵۳	بخشنامه وزیر کشور
۵۴	جلوگیری بانوان با چارقد از ورود به آستان قدس
۵۴	کشف حجاب و تقلیل جواز عمامه
۵۴	جلوگیری از روضه خوانی
۵۵	ممنوعیت استعمال چارقد در ایالت خراسان
۵۵	بخشنامه رئیس الوزراء
۵۶	ممنوعیت عشایر از استفاده از چادر و عمامه
۵۶	مساعدت به مستخدمین دولت
۵۶	به منظور برداشتن چادر خانم آنها
۵۸	حکم و دستورالعمل
۵۹	بخشنامه ایالت خراسان
۶۰	بخشنامه حکومت سبزوار
۶۰	جلوگیری از ورود زنهای با چادر در اماکن و معابر عمومی
۶۱	بخشنامه وزارت داخله
۶۵	ریاست اداره کل احصائیه و ثبت احوال
۶۷	کابینه ریاست وزراء نمره ۹۱
۶۹	استخراج تلگراف رمز ایالت خراسان
۷۱	محرمانه اداره کل شهربانی
۷۳	حکومت

۷۵	وزارت ۲۲/۲/۱۴ داخله سیاسی
۷۵	وزارت کشور
۷۷	اداره سیاسی وزارت کشور تاریخ ۲۹/۱۰/۲۱
۷۷	شماره ۴۷۰۵ اداره کل شهربانی
۷۹	مجلس شورای ملی
۷۹	رونوشت نامه اهالی رشت
۸۰	تصویب نامه هیأت وزیران
۸۰	حضرت آیت الله قمی
۸۲	حضور محترم جناب آقای نخست وزیر دام بقائه
۸۴	وزارت کشور (اداره سیاسی)
۸۴	اداره کل شهربانی
۸۶	وزارت کشور
۸۸	وزارت پست و تلگراف و تلفن
۸۸	تلگراف
۹۳	وزارت کشور
۹۳	اداره سیاسی
۹۳	اداره کل شهربانی
۹۴	مجلس شورای ملی
۹۴	رونوشت به زنهای یزد

فصل سوم

وقایع مهم حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام،

و مسجد گوهر شاد مشهد

۱۰۱	حضور خانواده پهلوی، بدون حجاب در
۱۰۱	حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام
۱۰۱	خانواده رضاشاه،
۱۰۱	بدون حجاب در حرم مطهر
۱۰۲	گذری بر زندگی
۱۰۲	مجاهد شهید آیت الله حاج شیخ محمدتقی بافقی
۱۰۴	شخصیت حاج محمدتقی بافقی
۱۰۵	واقعه توروز سال ۱۳۰۶

- از زبان آیت‌الله حاج سید حسین بُدلا ۱۰۵
- شخصیت شهید بافقی ۱۰۷
- واقعه مسجد گوهرشاد ۱۱۸
- حادثه تیراندازی و کشتار در مسجد گوهرشاد ۱۱۹
- به گلوله بستن مردم در حرم مطهر امام رضا ۷ ۱۲۰
- واقعه مسجد گوهرشاد از زبان شیخ محمدتقی بهلول ۱۲۰
- نگاهی به زندگی شهید آیت‌الله آقازاده ۱۳۰
- تبعیدی قیام مسجد گوهرشاد ۱۳۰
- اقدام به ترور آیت‌الله آقازاده ۱۳۱
- خاطرات آقای کاظم نجفی یکی از فرزندان شهید آیت‌الله آقازاده ۱۳۴
- شهید آیت‌الله آقازاده از دیدگاه امام خمینی(ره) ۱۳۶

فصل چهارم

حکایتها و خاطرات شاهدان عینی

- اهانت و کتک زدن زنهای چادری ۱۴۱
- پیش‌بینی شهید مدرس ۱۴۱
- حق نداری به مدرسه بیایی!! ۱۴۲
- همان بالایی‌ها را می‌گویم ۱۴۳
- خدا می‌داند که به این ملت ایران چه گذشت ۱۴۳
- زن‌ها می‌خواستند بروند سر قبر رضاشاه!! ۱۴۴
- داشت دیوانه می‌شد!! ۱۴۵
- نگفته، خودم می‌روم ۱۴۵
- زن فرانسوی که ۱۴۵
- از غصه کشف حجاب بیمار گردید ۱۴۶
- مادرم فرار می‌کند و ۱۴۶
- زیارت قبول نیست!! ۱۴۷
- رئیس بلند شد و عمامه را گرفت و سه تکه کرد!! ۱۴۷
- خود حضرت عباس بیاید و بگیرد! ۱۴۸
- چنان خداگیر شده بود که ۱۴۹
- خانم محبّه چنان سلی به گوش مزدور زد که ۱۵۰
- چارقد را گذاشت زیر پایش و پاره کرد! ۱۵۱

۱۵۲	زنهای محترم اشک می ریختند.....
۱۵۴	موی سر آن زن کنده شده بود؟!.....
۱۵۴	کشف حجاب یک نوع آزادی است؟!.....
۱۵۵	آیا جایز است؟!.....
۱۵۶	بفرمائید که رئیس شما کیست؟.....
۱۵۷	به خون اعتنا نکرد و پرید به او!!.....
۱۵۹	تظاهر رضاخان به اسلام!!.....
۱۶۲	در مورد مرحوم آقای بافقی.....
۱۶۳	کشف حجاب.....
۱۶۴	از مکافات عمل غافل مشو.....
۱۶۷	واقعه مسجد گوهرشاد.....
۱۶۹	سوغات ترکیه!!.....
۱۷۱	چادر را از زیر بغل پاسبان کشیدم!.....
۱۷۲	روضه خوانی در رختکن حمام!.....
۱۷۳	زمان محمدرضا شاه.....
۱۷۴	مبارزه با لباس روحانیت.....
۱۷۶	وسط بیابان بازرسی می کردند که کسی.....
۱۷۶	حجاب نداشته باشد!!.....
۱۸۰	صندوقخانه های مردم را می گشتند!!.....
۱۸۱	الهامات رضاخان از آتاتورک!.....
۱۸۲	از خجالت دستشان را روی سرشان گذاشتند!.....
۱۸۳	مرحوم بافقی و رضاخان!.....
۱۸۴	این پدر سوخته چه می گوید!.....
۱۸۵	خوشحالی زن ها از مرگ مأمور نظمیه.....
۱۸۶	چادر به صورت مانتوی امروز!.....
۱۸۷	هرگز قبول نخواهم کرد.....
۱۸۷	مقداری از موی سر زن هم کنده شد!!.....
۱۹۲	ماجرای مرحوم بافقی.....
۱۹۳	خون در و دیوار مسجد را فراگرفت!.....
۱۹۴	هرگز از منزل خارج نشد!.....
۱۹۵	سوغات آنکارا.....

فصل پنجم زن و حجاب از دیدگاه اسلام و غرب

۱۹۹	انگیزه‌های کشف حجاب
۱۹۹	می‌خواستند عفت را از جامعه ما بردارند
۲۰۰	می‌خواستند به واسطه بی‌بند و باری فلج کنند جوانان را
۲۰۰	به انحطاط کشیدن زن از مقام انسانی او
۲۰۱	می‌خواستند مردها را هم محروم کنند از فعالیت
۲۰۱	نقشه این بود که این قشر را فاسد کنند
۲۰۲	نقشه جهانخواران و خیانتکاران بین‌المللی
۲۰۲	می‌خواستند همه را به فساد بکشند
۲۰۴	زن مربی انسان است
۲۰۵	مشارکت فعال زنان با مردان
۲۰۵	در بنای جامعه اسلامی
۲۰۵	اسلام با آنچه خلاف عفت است مخالفت دارد
۲۰۵	حجابی که اسلام قرار داده است برای حفظ ارزشهاست
۲۰۶	تسلط استکبار بر جوامع بشری
۲۰۶	از طریق صدور فرهنگهای ناسالم
۲۰۷	زن و انقلاب جهانی اسلام
۲۰۹	نقش و شخصیت زن
۲۰۹	در جوامع غربی و جامعه اسلامی
۲۱۰	زن در انقلاب اسلامی
۲۱۰	ارزش زن در جوامع غربی
۲۱۰	فاطمه زهرا علیها السلام الگوی زن در جامعه اسلامی
۲۱۱	الگوی غربی زن مقابل الگوی اسلامی
۲۱۵	شروع تهاجم فرهنگی غرب
۲۱۷	نفی فرهنگهای منحط و مبتذل از سوی جمهوری اسلامی
۲۲۰	غرب با این رفتار با زنان، امروز طلبکار شده است!!
۲۲۲	روابط زن و شوهر در درون خانواده
۲۲۴	زدودن باور غلط القایی فرهنگ غربی از ذهن زن ایرانی
۲۲۴	زن جای بسیار اساسی و رفیعی در خانواده دارد

اسلام حیات دوباره‌یی به زن بخشید.....	۲۲۵
اسلام به نیازها و آرمانهای بشر توجه کرده‌است.....	۲۲۶
ما باید ببینیم که زنان به چه ابزار قانونی احتیاج دارند.....	۲۲۷
علت ستمی که در طول تاریخ به زن.....	۲۳۰
شده‌است و مبارزه اسلام با آن.....	۲۳۰
بعضی مدافعین حقوق زن در دام اشتباهات غریبه‌ها!.....	۲۳۶
سه عرصه برای فعالیت زنان در اسلام.....	۲۳۸
۱ - عرصه تکامل و رشد معنوی زنان.....	۲۳۹
۲ - عرصه‌ی فعالیتهای اجتماعی زنان.....	۲۴۱
۳ - عرصه‌ی خانواده و نقش زن در آن.....	۲۴۴
چرا زینب کبری (ع) در چشم ملت‌های اسلامی عظمت دارد؟.....	۲۵۱
فاطمه‌ی زهرا و زینب کبری (ع)، زنان الگو و نمونه‌ی اسلام.....	۲۵۲
نقش زن در انقلاب، یک نقش برجسته و طراز اول.....	۲۵۳
الگوی غربی و اروپایی زن، نقطه‌ی مقابل الگوی اسلام.....	۲۵۳
مدعیان غربی، کمترین مخالفتی را با مبانی خودشان تحمل نمی‌کنند.....	۲۵۴
حفظ حجاب در بیرون از محیط خانه و خانواده.....	۲۵۵
گرایش به سمت مدرگرایی، عامل انحراف جامعه و زنان.....	۲۵۶
صلاح زنان در جامعه، صلاح مردان را به دنبال می‌آورد.....	۲۵۶
ما باید زن را زن، و مرد را مرد نگهداریم.....	۲۵۷
ظلم به زن در جوامع غربی.....	۲۵۹
گرایش به فرهنگ غربی را مایه‌ی مبارزه‌ی خودتان قرار ندهید.....	۲۶۲
حکمت حجاب در اسلام.....	۲۶۳
احساس امنیت زن در خانه شوهر.....	۲۶۶
اهداف و شعارها در تلاش برای حقوق زنان.....	۲۶۹
موضع انفعالی در دفاع از زنان!.....	۲۷۴
زن، موجود درجه دوم در اروپا!.....	۲۷۵
بلای بزرگ در غرب!.....	۲۷۷
نسخه‌ی غلط دفاع از حقوق زنان!.....	۲۸۰
نکات اساسی در مسأله زنان!.....	۲۸۴

فصل ششم

اسناد و مدارک تغییر لباس و کشف حجاب
مقاومت و ایستادگی علما و مردم

۲۹۱	تغییر پوشش مردان و زنان
۲۹۱	تغییر پوشش مردان
۲۹۸	تغییر لباس دوم
۳۰۴	کشف حجاب
۳۲۶	روند کشف حجاب و واکنش روحانیان
۳۲۶	گامهای اولیه
۳۲۹	رسائل و کتابها
۳۳۱	ادامه روند حجاب‌زدایی
۳۳۵	سفر ترکیه و نتایج آن
۳۳۶	تشدید عملیات
۳۳۷	واکنش آیات عظام
۳۴۲	مقاومتها و مخالفتها
۳۵۰	تشکیل مجامع و کانونها برای تشویق بی‌حجابی
۳۵۶	قیام گوهرشاد و نقش روحانیون
۳۵۶	مقدمات:
۳۵۷	مهاجرت آیه‌الله قمی به تهران
۳۶۳	اقدامات روحانیون پس از مهاجرت آیه‌الله قمی
۳۶۵	اسناد
۳۶۵	قانون متحدالشکل نمودن البسه
۳۶۵	اتباع ایران در داخله مملکت
۳۶۷	نظامنامه متحدالشکل نمودن البسه
۳۶۷	فصل اول: در تعریف لباس متحدالشکل
۳۶۸	فصل دوم: در مستثنیات
۳۷۰	فصل سیم: در مجازات متخلفین
۳۸۸	اسناد و مدارک
۳۹۱	نمایه اشخاص
۳۹۹	نمایه موضوعی
۴۱۱	نمایه اماکن

پیشگفتار

«تهاجم فرهنگی علیه ملت ما مشخصاً از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او مقدمات تهاجم فراهم شده بود. قبل از او کارهای فراوانی کرده بودند و روشنفکرهای وابسته را در داخل کشورها کاشته بودند».^(۱)

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که مقدمات تهاجم در دوران سلطه قاجاریه بخصوص در زمان ناصرالدین شاه و سپس دوران احمدشاه در محورهای ذیل آماده شد.

۱- حضور مأموران قدرتهای استکباری بخصوص انگلستان و شوروی در کسوت بازرگانان، کارشناسان و کارگزاران، مشاوران و مستشاران، جهانگردان و مأموران سفارت و سفرا و کارداران که منتهی به بعضی قراردادهای تجاری تحمیلی، اعمال نفوذ در تصمیم‌گیرهای شاه و رئیس‌الوزراء، دسترسی به ساختار اداری و تغییر آن در جهت سیاستهای استکباری، شناخت روحیات مردم مسلمان و عوامل مؤثر در حرکت و بیداری آنان و ... گردید.

۲- دعوت و تشویق شاهان و وزراء و درباریان برای سفر به کشورهای غربی بخصوص انگلستان و مرعوب و مجذوب نمودن آنان در این سفرها نسبت به پیشرفتهای صنعتی غرب و ارتباط دادن این پیشرفتهای با آداب و رسوم و فرهنگ حاکم بر جوامع غربی.

۱- رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار با وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش کشور، به تاریخ ۱۳۷۱/۵/۲۱.

۳- بازگشت عناصر فرنگ رفته با کوله باری از فرهنگ مبتذل غرب و آداب و رسوم آنان، امثال میرزا ملکم خان و تقی زاده که اعتقاد داشتند برای متمدن شدن و رسیدن به پیشرفتهای غرب، باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شد!!

ایجاد جریان روشنفکری وابسته و تشکیلات فراماسونری همراه با فساد مالی و اخلاقی حاکم بر دربارها و به دست گرفتن امتیازات متعددی مثل راه آهن، نفت، شیلات، دخانیات، کشتیرانی، مخابرات و... توسط مشاوران و مستشاران خارجی، جامعه ایران را به سوی یک تغییر الزامی سوق داد؛ تغییری که اگر عناصر آگاه دست در دست روحانیت بیدار داده بودند و مردم متدین را بدرستی هدایت می کردند، می توانست به نفع مردم و ارزشهای اسلامی و ملی آنان صورت گیرد، چنانچه امام بزرگوار فرمودند:

«در آن وقت باز یک جناحهایی می توانستند که پشت سر مدرس را بگیرند و پشتیبانی کنند و اگر پشتیبانی کرده بودند، مدرس مردی بود که با منطق قوی و اطلاعات خوب و شجاعت و همه اینها موصوف بود و ممکن بود که در همان وقت شر این خانواده کنده بشود»^(۱)

متأسفانه چنین چیزی اتفاق نیفتاد و عناصر وابسته به غرب با کمک مالی و اطلاعاتی انگلستان توانستند زمام امور را به دست بگیرند و تغییرات را در جهت ماهیت زدایی از ملت بزرگ ایران و زدودن فرهنگ اسلامی از شوون زندگی مردم، به نفع استکبار غرب پیش ببرند. سید ضیاء - مهره دست پرورده انگلیس - به کمک ارباب توانست بر موج تغییرات سوار شود اما در نهایت، فردی چون رضاخان را استکبار شناسایی و در این مرحله وارد عمل می نماید و قدرت را از شاهان فاسد قاجار سلب و در دستهای او قرار می دهند!

رضاخان در ابتدای به دست گرفتن قدرت، راه خدعه را در پیش گرفت. با پای پیاده همراه با دستجات عزاداری حرکت می کرد، در مجالس و تکیه ها حاضر می شد، خود را

مقید و پایبند به اصول مذهب نشان می‌داد لکن بعد از پاگرفتن قدرتش، همه تقیدات و رسوم مذهبی را کنار گذاشت و کار را به جایی رساند که حکم صریح و ضروری قرآن یعنی «لزوم حجاب برای بانوان» را زیر پا نهاد!

رضاخان به کمک جریان وابسته روشنفکری، ابتدا هم خود را در تغییر لباس ملی به کار گرفت و به عنوان لباس متحدالشکل، مردم را مجبور به تغییر لباس و کلاه نمود و از تمامی قدرت و ابزاری که در دسترس او قرار گرفته بود برای این مقصد استفاده کرد. رضاخان عزاداری و مجالس مربوط به آن را به انحاء مختلف محدود نموده از انجام آن جلوگیری کرد، لباس روحانیت را ممنوع و منوط به اخذ اجازه نمود!

سفر رضاخان به ترکیه - که در آن هنگام به وسیله کمال مصطفی پاشا (آتاتورک) عرصه تاخت و تاز فرهنگ غرب قرار گرفته بود و فرهنگ اسلامی را با زور از صحنه زندگی مردم خارج می‌ساخت - یکی از توطئه‌های روشنفکران وابسته بود تا رضاخان نافهم را تحت تأثیر قرار داده در تغییر ماهیت ملی و اسلامی مردم ایران تلاش بیشتری بنماید. نوشته‌اند:

«محمدعلی فروغی مدتی سفیر کبیر ایران در ترکیه بود. در آن مدت بین او و کمال آتاتورک رئیس جمهور و عصمت اینوفو نخست‌وزیر و سایر مقامات ترکیه روابط بسیار حسنه‌ای ایجاد شده بود، بطوری که در تمام مدت او مورد مشورت مقامات ترکیه قرار می‌گرفت. فروغی از این نزدیکی حسن استفاده کرد و موجبات سفر رسمی رضاشاه را به کشور ترکیه فراهم ساخت. غرض و نیت فروغی از این سفر این بود که شاه از نزدیک با مظاهر تمدن اروپا، که به وضع شایانی در ترکیه رواج یافته بود، آشنا شود و بعد به عنوان سوغات، قسمتی از آن تمدن را در ایران پیاده نمایند. رضاشاه روز دوازدهم خرداد ۱۳۱۳ عازم ترکیه شد... مدت مسافرت شاه در ترکیه چهل روز به طول انجامید و کمال آتاتورک از شاه ایران تجلیل شایسته‌ای معمول داشت. رضاشاه وقتی به ایران برگشت تصمیم گرفت ایران را از لحاظ ظاهر به پای ترکیه برساند. تغییر کلاه، کشف حجاب، تأسیس دانشگاه، تمام اینها سوغات ترکیه بود. فروغی با مهارت خاصی موفق به انجام

خواسته‌های خود شد بدون این که شخصاً قدمی برداشته باشد»^(۱)
 فروغی خود بعداً رئیس‌الوزراء رضاخان شد و نتایج سفر رضاخان به ترکیه را پی
 گرفت. محمدرضا اعتراف می‌کند که:
 «ایران پس از ترکیه دومین کشور مسلمانی بود که رسماً حجاب را ممنوع ساخت»^(۲)
 مخبرالسلطنه می‌نویسد:

«فکر تشبیه به اروپایی از آن جا (ترکیه) به سر پهلوی آمد».

رضاخان ابتدا تلاش خود را متوجه مدارس نمود. معلمان زن مجبور بودند بدون
 حجاب در مدارس حاضر شوند، از ورود دانش‌آموزان دختر با حجاب به مدارس
 جلوگیری می‌شد. اولین مراسم عمومی که رضاخان همراه با زن و دخترانش بدون
 حجاب حاضر شد، روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ در جشن اعطای دانشنامه به بانوانی که از دانشسرا
 فارغ‌التحصیل شده بودند، تبت شده است و این امر نشان‌دهنده اهمیتی بود که مراکز
 آموزشی برای دستگاه رضاخانی در مسأله کشف حجاب داشت.
 محمدرضا به این مسأله اعتراف می‌کند و می‌نویسد:

«پدرم بدو به رفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریص وی در سال
 ۱۳۰۹ نخستین بار بعضی از بانوان طبقه اول در خانه‌های خود و مجالس مهمانی به لباس
 زنان اروپائی درآمدند و عده کمی هم جرأت کرده بدون حجاب در خیابانها ظاهر
 می‌شدند. در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران دانش‌آموز از داشتن حجاب ممنوع
 شدند»^(۳).

رضاخان و دستگاه حاکمه او برای اجرای مأموریت مسخ فرهنگی ملت مسلمان

- ۱- نخست‌وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، صفحه ۴۳۵.
- ۲- «مأموریت برای وطنم»، این کتاب که به تعبیر حضرت امام (ره) توسط دیگران برای شاه دیکته
 و نوشته شده بود و نشانه کامل حماقت شاه بود، در زمان محمدرضا به خاطر مطالب غیرعقلانی
 زیادی که در آن بود توسط رژیم جمع‌آوری گردید و تغییرات زیادی در اصل آن داده شد.
- ۳- همان.

- ایران، اقدامات خشونت‌باری را انجام دادند، که این اقدامات به شرح ذیل است:
- ۱- ممنوعیت استفاده از کلاه پهلوی و اجبار در استفاده از کلاه تمام لبه یا شاپو و صدور قانون «متحدالشکل نمودن البسه» در ۸ بهمن ۱۳۰۷ و دستور جلب اشخاص بدون کلاه یا با کلاه پهلوی.
 - ۲- فروغی، رئیس‌الوزراء، حداکثر مدت برای انعقاد مجالس ترحیم را دو ساعت تعیین و اعلام نمود.
 - ۳- برگزاری مجالس عزاداری و روضه موكول به کسب اجازه از شهربانی گردید که غالباً از دادن اجازه خودداری می‌نمودند.
 - ۴- محصلین دختر مدارس از داشتن حجاب ممنوع شدند.
 - ۵- کلیه کارگزاران حکومتی در هر منطقه‌ای موظف شدند همراه با همسران بدون حجاب خود در مراسم حاضر شوند.
 - ۶- افسران ارتش از راه رفتن با زنان باحجاب ممنوع شدند.
 - ۷- معلمان زن مجبور به حضور در کلاسها، بدون داشتن حجاب بودند.
 - ۸- استانداران و فرمانداران و بخشداران موظف به انعقاد مراسم متعدد و دعوت از روحانیون و تجار و افراد صاحب نفوذ به آن مراسم، همراه با زنان بدون حجاب خود گردیدند.
 - ۹- به نیروهای شهربانی دستور داده شد که با توسل به قوه قهریه حجاب را از سر زنان بردارند و حتی روسری نیز ممنوع شد.
 - ۱۰- کلیه وسایل مسافرتی از قبیل قطار و وسایل درون شهری مثل ماشینها و درشکه‌ها الزماً از سوار کردن زنان باحجاب خودداری می‌نمودند.
 - ۱۱- مأموران موظف به جلوگیری از حضور زنان باحجاب در اماکن زیارتی و مساجد بودند!!
 - ۱۲- از حضور زنان باحجاب در پارکها، سینماها، تئاتر و هتلها و سایر مراکز عمومی جلوگیری می‌شد. و...

آنچه در تمام اقدامات فوق مورد توجه رضاخان بود، پیشرفت برنامه «کشف حجاب» به هر صورت بود و هرکس از دستورات سرپیچی می نمود؛ جلب و مورد آزار، شکنجه، تبعید و انفصال از خدمات دولت قرار می گرفت.

محمدرضا به این مسأله نیز اعتراف کرده و می نویسد:

«اقدام رضاشاه موفقیت کامل یافت و متعاقب آن پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد بموجب این دستور هیچ زن و یا دوشیزه ای حق پوشیدن چادر و نقاب نداشت و اگر زنی یا روبنده و چادر در کوچه پیدا می شد پاسبان از وی تقاضا می کرد که روبنده خود را بردارد و اگر امتناع می کرد جبراً چادر او را برمی داشتند و تا زمانی که پدرم سلطنت می کرد در سراسر کشور این منع برقرار بود».^(۱)

همچنین آمده است که:

«در اوایل خرداد ۱۳۱۴ یک روز هیأت دولت را احضار کرد و گفت ما باید صورۀ و ستّای غربی بشویم و باید در قدم اول کلاهها تبدیل به شاپو بشود... و نیز باید شروع به رفع حجاب زن‌ها نمود و چون برای عامه مردم دفعاً مشکل است اقدام کنند، شما وزراء و معاونین باید پیشقدم بشوید و هفته ای یک شب با خانمهای خود در کلوب ایران مجتمع شوید... و به «حکمت» وزیر فرهنگ دستور داد که در مدارس زنانه معلمان و دخترها باید بدون حجاب باشند و اگر زن یا دختری امتناع کرد او را در مدارس راه ندهند».^(۲)

در خاطرات صدرالاشراف آمده است:

«در اتوبوس زن باحجاب را راه نمی دادند و در معابر پاسبانها از اهانت و کتک زدن به زنهایی که چادر داشتند بانهایت بی پروایی و بی رحمی فروگذار نمی کردند. حتی بعضی از مأمورین بخصوص در شهرها و دهات، زنهایی که پارچه روی سر انداخته بودند اگرچه چادر معمولی نبود از سر آنها کشیده پاره پاره می کردند و اگر زن

۱- همان.

۲- حیات یحیی، جلد چهارم، صفحه ۳۰۲.

فرار می کرد او را تا توی خانه اش تعاقب می کردند و به این هم اکتفا نکرده اتاق زنهار و صندوق لباس آنها را تفتیش کرده، اگر چادر از هر قبیل می دیدند پاره پاره می کردند یا به غنیمت می بردند»^(۱).

هدایت می نویسد:

«پلیس دستور داشت روسری را از سر زنهار بکشد، روسری ها پاره شد و اگر ارزش داشت تصاحب می شد، مدتی زد و خورد بین پلیس و زنهار دوام داشت».

رضاخان آنچه توانست در موفقیت تحمیل فرهنگ غرب کوشید حتی حرم شریف و مطهر ثامن الحجج، حضرت امام رضا علیه السلام را به خون معترضین به کشف حجاب، رنگین ساخت و واقعه کشتار خونین مسجد گوهرشاد را به وجود آورد، چنانچه خلف ناصالح او محمدرضا مدرسه فیضیه را به خون طلاب انقلابی رنگین نمود.

رضاخان همان گونه که امام باجل عظیم الشان خصوصیت حکومت های وابسته را توصیف نموده اند، در مقابل مردم با قلدری تمام عمل می نمود و لکن در برابر قدرتهای خارجی و حتی سفرای آنان خوار و متزلزل بود، زمانی که متفقین وارد خاک ایران شدند از آن رضاخان قلدر خبری نبود و طبق نوشته های مورخان و شاهدان چنان درهم شکست که گویا رضاخان نبوده است، به هر کس که می دانست منزلتی و احترامی پیش دولت انگلستان دارد متوسل شد تا خود را بر اریکه شاهی حفظ کند و هنگامی که مایوس شد تلاش کرد تا زمینه را برای پادشاهی پسرش محمدرضا فراهم کند که با تلاش وابستگان غرب زده و اظهار آمادگی محمدرضا برای نوکری این کار عملی شد و در شهریور سال ۱۳۲۰ رضاخان در نهایت سرشکستگی و خفت مزد دهها سال نوکری انگلستان را از دست آنان گرفت و تبعید شد و در تبعید در نهایت غربت معدوم و به عرصه حساب الهی پا گذاشت.

محمدرضا - چنانچه در بخش اسناد مشاهده خواهد شد - در ابتدای سلطنت، به دلیل

مقاومت شدید مردم و نگرفتن نتیجه مطلوب از آن همه فشارها، شیوه زور و قلدری را کنار گذاشت و مردم در فضای نسبتاً آزاد، مجدداً به ارزشهای اسلامی و مخصوصاً زنان به چادر روی آوردند.

محمدرضا در کتاب خود به این مسأله اعتراف می‌کند و می‌گوید:

«اشغال نظامی ایران در دوره جنگ دوم جهانی و مهاجرت پدرم!! (بخوانید تبعید و فرار پدرم) طبعاً اجرا برنامه‌های وسیعی را که او برای ترقی و تعالی زنان ایران طرح کرده بود متوقف ساخت و بعلاوه کم‌کم در افکار و عقاید ترقی‌خواهان نیز تحولاتی پدید آمد!! رضاشاه اصلاحاتی را که در وضع اجتماعی زنان ایران بوجود آورده بود با اعمال قدرت دنیال می‌کرد و عاقلانه آن بود که از آن پس اقدامات اصلاحی با رویه دموکراسی!! تعقیب شود تا نتیجه عالیترب عاید کشور گردد!!

مسأله کشف حجاب نمونه‌ای از همان اقدامات اصلاحی بود و همین که پدرم از ایران خارج شد!! در اثر پاشیدگی اوضاع در دوران جنگ (بخوانید در اثر مقاومت مردم) بعضی از زنان مجدداً به وضع اول خود برگشتند و از مقررات مربوط به کشف حجاب عدول کردند.

ولی من و دولت من از این تخطی چشم‌پوشی کردیم و ترجیح دادیم که این مسأله را به سیر طبیعی خویش واگذاریم و برای اجرای آن به اعمال زور متوسل نشویم.^(۱)

محمدرضا از دوروش در کنار یکدیگر بهره‌گرفت تا مأموریت نیمه کاره پدرش را به انجام برساند!! اول از سیاست سرکوب و تبعید و شکنجه در حد اعلا استفاده کرد، به طوری که سازمان ساواک جهنمی را به وجود آورد و چنان نمود که فرزند به پدر و پدر به فرزند شک داشت و مخصوصاً این سیاست را متوجه علماء و روحانیون و قشر دانشجو نمود. دوم آن که از سیاست تبلیغاتی و فرهنگی بسیار گسترده سود برد، بویژه از رادیو و تلویزیون در تحقیر مبانی و اصول فرهنگ اسلامی ملت و تعریف و تمجید و تشویق

فرهنگ مبتدل غرب بیشترین بهره را گرفت. و این برنامه چنان عرصه را بر اهل دین تنگ نمود که بسیاری از آنان از ترس جوّ تحقیر حاکم بر جامعه نمی توانستند اعتقادات دینی خود را مخصوصاً در مراکز علمی و آموزشی عمل نمایند. محمدرضا با این شیوه کار را به آن جاکشاند که به فرموده امام راحل عظیم الشان اگر خدا به داد این ملت نرسیده بود خوابهایی بسیار وقیحانه برای ملت دیده بودند.

بنابراین مسأله «کشف حجاب» بایستی در راستای تهاجم فرهنگی غرب بررسی شود و شاید از شاخص ترین وجوه این تهاجم باشد که در زمان رضاشاه با قلدری و در زمان محمدرضا با خدعه و تبلیغ انجام گرفت.

«کشف حجاب» نبایستی امری ساده و کوچک تلقی گردد، بلکه با توجه به سرمایه گذاری غرب و عوامل خود فروخته او در داخل از لحاظ زمانی و تبلیغی و... باید آن را امر مهم تلقی نمود و بمثل کلبه‌ی دانست که در صورت قرار گرفتن در دست غرب براحتی در بهای بسته ملت به روی اجنبی باز می شد، چنانچه در آن حدی که موفق به شکستن این حریم و ایجاد شعله های خانمان سوز فحشاء و رواج مواد مخدر و امثال آن شدند، منابع انسانی و ثروتهای این ملت به چپاول و غارت غریبه‌ها رفت. آنها که در زمان ناصرالدین شاه یک قرارداد فروش انحصاری توتون را نتوانستند تحمیل کنند در زمان رضاخان و محمدرضا قراردادهای متعدد را تحمیل کردند و حتی قرارداد ننگین کاپیتولاسیون را به تصویب شاه و مجلس رساندند و این نشد مگر در سایه متزلزل کردن دین و اصول اسلامی در میان مردم و جدا نمودن آنان از علماء و روحانیت و ایجاد اختلاف و انحراف در مراکز و حوزه های علمی و بعضی از حوزه های دینی و لذا می بینیم که استکبار این بار موفق شد شکست تنباکو را جبران نماید. پس «کشف حجاب» را باید بدرستی شناخت و انگیزه های اصلی کشف حجاب را دانست.

بی تردید، برای استکبار منافع بسیاری در کشف حجاب وجود داشته است که در هر کشور اسلامی که اینان رفتند و بنای استثمار آن جا را گذاشتند از جمله اولین اقدامات آنها کشف حجاب بوده است، چنان که فرانسه در الجزایر به همین اقدام دست زد. وحشت

غرب در زمان حاضر، از احیاء سنت حسنه حجاب در بین بانوان ایران و سرایت آن به بانوان کشورهای اسلامی و حتی زنان جامعه غربی و دست زدن به اقدامات بسیار زننده و خشن و ضد مبانی تبلیغی خود - همچون اخراج دختران باحجاب از مدارس - نشانگر منافع ملی و انسانی حجاب است. یکی از اصول بینش سیاسی این است که عمل دشمن مورد دقت و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. دشمن بی گمان از چیزهایی تعریف و حمایت می کند که منافع او را تأمین می کند و اینها یقیناً برای ملتهای آزاده و مستقل خسارت آور است و دشمن بی شک از چیزهایی بدگویی می کند و مورد هجوم قرار می دهد که به نفع ملتها و به زیان سلطه استکباری اوست. امام راحل بزرگوار همواره به این اصل اشاره و استناد می کردند و خود در جریان مراجعت به میهن اسلامی در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و در لغو حکومت نظامی عصر ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ از همین مشی بهره بردند و از اصرار دشمن پی به مقصد شوم او بردند و عکس حواست آنها را عمل فرمودند و جای تأسف خواهد بود که به این ساده ترین رابطه بین دشمن و خود توجه کافی نشود.

مستر همفر - جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی - در بخشی از خاطرات خود آن جا که نقاط قوت مسلمانها را بر می شمارد به مورد حجاب اشاره می کند و می گوید:

«زنان آنان دارای حجاب محکم هستند که نفوذ فساد در میانشان ممکن نیست».

و در جای دیگر به اقداماتی که جهت از بین بردن نقاط قوت مسلمین توسط دولت انگلستان برنامه ریزی شده اشاره کرده می نویسد:

«باید زنان مسلمان را فریب داد، و از زیر چادر و عبا بیرون کشید، با این بیان که حجاب یک عادت است از خلفای بنی عباس و یک برنامه اسلامی نیست، و لذا مردم، زنان پیامبر را می دیدند، و زنان صدر اسلام در هر کاری با مردان شرکت می کردند.

پس از آنکه زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنها بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد و برای پیشبرد این نقشه، لازم است اول زنان غیر مسلمان را از حجاب بیرون آوریم تا زنان مسلمان از آنان یاد بگیرند».

امروز تهاجم فرهنگی ابعاد بسیار متنوع و پیچیده و سازمان یافته ای را به خود گرفته

است که مسأله «کشف حجاب» در این تهاجم به طور مستقیم مطرح نمی‌شود. لکن یک نتیجه از کلیه برنامه‌های تهاجم فرهنگی مورد انتظار استکبار است و آن شکستن حریم بین زن و مرد و کشاندن آنان به التذاذ جنسی حرام و نامشروع است و ام الفساد همین جاست. برداشتن حفاظ و حجاب بین زن و مرد و از بین بردن حیاء و عفت مقدمه است برای تباهی نیروهای انسانی و چپاول ملت‌ها و به سلطه کشیدن آنها و لذا طرح مسأله «کشف حجاب» دو فایده بزرگ را در بر خواهد داشت:

اول: عبرت گرفتن از تاریخ که به قول امام راحل عظیم‌الشان معلم انسانهاست و آگاهی بر کیفیت عمل استکبار و طرفندهای او که بر هوشیاری در برابر دشمن می‌افزاید.

دوم: فهم این نکته که این توطئه و این حلقه از تهاجم فرهنگی خاتمه نیافته است و دشمن همچنان در صدد است تا با بهره‌گیری از شیوه‌های جدید و ابزار پیشرفته‌تر به نتایج «کشف حجاب» دست یابد.

ما در این مجموعه بر آنیم که این دو مقصود را بنمایانیم - که در این راستا از خاطرات شاهدان صحنه‌های آن روزگاران نیز استفاده می‌بریم - امیدواریم در فرصتهای آینده در سطح وسیعی به ثبت خاطرات - که گویای این واقعه حساس تاریخی است - پردازیم و آنها را در دسترس نسل جوان و ثبت در تاریخ قرار دهیم.

امیدواریم، بانوان با درک موقعیت خود و بهره بردن کافی از حقایق «کشف حجاب رضاخانی» به جایگاه والای حجاب بیشتر پی ببرند و از حجاب چون گوه‌ر گرانبها و سنگری نفوذناپذیر و اسلحه‌ای برنده نگهبانی کنند و از همه بالاتر، این حکم الهی را که برای حفظ ارزشهای آنها صادر شده است برای رسیدن به کمالات انسانی و منافع دنیوی و اخروی و رضای خداوند پاسداری کنند. ان شاء الله

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

آنچه تحت عنوان «مصاحبه با حجج اسلام و سایرین» صورت گرفته است از طرف واحد تحقیقات مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت انجام شده است.